

تاریخ وصول: ۹۲/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۳۰

رویکرد قرآن و عرفان به معنا و مفهوم تزکیه

علیرضا فیروزفر

عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

جواد نصیری^۱

نویسنده مسئول و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی

سمیه فیروزفر

دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم

چکیده:

این مقاله در رابطه با رویکرد قرآن و عرفان به معنا و مفهوم تزکیه بحث می‌کند. واژه تزکیه در اصل حاوی دو معنای رشد و نمو دادن و تطهیر و پاکیزه‌سازی است. البته باید توجه داشت که این دو معنا با یکدیگر، پیوند دارند و به نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند. معمولاً در کتاب‌های تعلیم و تربیت و متون اخلاقی و عرفانی دو واژه تربیت و تهذیب را به جای تزکیه به کار می‌برند.

تزکیه در عرفان عبارت است از زدودن نفس و تخلیه آن از عقاید باطل و اوصاف مذموم، میراندن هوای نفس، تربیت کردن و به صلاح آوردن نفس و از صفت اماره به مطمئن رسانیدن آن. برخی تزکیه را به معنای ترک دنیا دانسته‌اند. در منابع عرفانی به تزکیه به طور مستقل کمتر پرداخته شده و بیشتر آن را ذیل، سیروسلوک و ریاضت نفس مطرح کرده‌اند. در آثار اخلاقی نیز، ذیل بحث تهذیب نفس، به تزکیه پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها:

قرآن، تزکیه، عرفان، تهذیب.

^۱ - javadnasiri_zn@yahoo.com

پیشگفتار

تهدیب نفس و اصلاح آن نقش بسزایی در سعادت فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی دارد به گونه‌ای که اگر انسان تمام علوم را تحصیل کند و همه طبیعت را به تسخیر خود آورد، اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود عاجز باشد از رسیدن به کمال باز خواهد ماند چه بسا نابسامانی‌هایی که در سطح جهان پدید می‌آید و گرفتاری‌ها که بشر امروزه با آن دست به گریبان است ناشی از عدم توجه به مباحث اخلاقی باشد.

فراگیری و عمل به اخلاق، افراد بشر را از هرگونه عیب و نقص منزه و مبرا ساخته و انسان را به اوج مکارم اخلاق می‌رساند نیروهای سرکش نفس را مهار و رام می‌کند و آن‌ها را در سیر حکمت و عدالت و عفت تقویت می‌کند تا به پایه مکارم اخلاق برسند. علم اخلاق معادن مکنون در سرزمین نفس را استخراج می‌کند و آن‌ها را به صورت مکارم اخلاق درمی‌آورد و برای بهره بردای عمومی آماده می‌سازد. همین علم است که نهال گل‌های زیبا و معطر را در صفحه نفس می‌نشانند و بهشت برین از مکارم اخلاق را در آن به وجود می‌آورد.

از آنجایی که تزکیه نفس از رذائل اخلاقی و شهوات نفسانی به جهت آثار و فوایدی که برای انسان دارد مورد توجه تمام ملت‌ها و ادیان الهی بوده و آنان برای تحصیل این امر از روش‌های گوناگونی بهره می‌جسته‌اند. اهل کتاب یعنی یهود، نصاری و مجوس نیز به تزکیه نفس اهتمام زیادی می‌ورزیدند و در کتب آنان دستورهای فراوانی برای اصلاح نفس و تهدیب آن از شهوات وجود دارد؛ چنان که قرآن کریم در آیاتی به برخی اعمال آنان برای تهدیب نفس همچون تلاوت آیات الهی و خواندن نماز در نیمه‌های شب (آل عمران/۱۱۴) گوشه‌گیری از مردم برای عبادت و خودسازی (مریم/۱۶) ترک دنیا و انتخاب رهبانیت (مائده، ۸۲) و نیز حدید، (۲۷) اشاره کرده است.

۱- تزکیه و مشتقات آن در قرآن و عرفان به چه معنی است؟

کلمه زکوه در قرآن با مشتقاتش ۵۹ مرتبه تکرار شده.

تزکیه در لغت

معمولاً در عرف عام هنگام استفاده از واژگان به ابعاد معنایی آنها چندان دقت و توجه نمی‌شود و چه بسا تنها به یک بعد معنایی واژه‌ای توجه می‌شود و همان در موارد گوناگون به کار می‌رود.

اگرچه در میان دانش پژوهان و اهل تحقیق، دقت بیشتر است و کمتر معانی واژگان و اصطلاحات مورد غفلت واقع می‌شود، گاهی یک واژه در میان اصحاب یک علم به معانی خاصی به کار می‌رود و برای اهل آن علم به صورت اصطلاحی خاص شهرت می‌یابد. ولی به کاربردهای گوناگون لغوی و ابعاد دیگر معنایی آن واژه توجهی نمی‌شود. به گونه‌ای که اهل تحقیق و اصحاب دقت با توجه به ابعاد و معنایی این واژگان از کاربرد نابه جای واژگان توسط مردم و حتی برخی از اهل علم و دانش شکایت می‌کنند و آنها را اهل اشتباه و خطا می‌خوانند. یکی از این واژگان که اصالتاً دارای چند معنا است ولی متخصصان تعلیم و تربیت، علمای اخلاق و اهل عرفان و معرفت به یک بعد آن توجه می‌کنند و مترادف و معادل با واژگان ویژه‌ای به کار می‌برند، واژه تزکیه است که معمولاً دانشمندان تعلیم و تربیت آن را با «تربیت» مترادف بکار می‌برند و علمای اخلاق و عرفان آن را مترادف و معادل با «تهذیب» استعمال می‌کنند. (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵-۱۶۱ و خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۳ و بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۴۲-۴۰)

به نظر می‌رسد که این کاربردها و معادل سازی‌ها با توجه به بعد خاصی از ابعاد معنایی این واژه صورت گرفته و ابعاد دیگر معنایی آن عملاً مورد غفلت واقع شده است.

معنای لغوی

لغت شناسان، واژه تزکیه را از ریشه زکو به معنی پاکیزه ساختن، پیراستن، تطهیر، رشد، نمو افزایش، و پرورش دادن می‌دانند. (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۵۸ و فیروآبادی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۹۵)

معنای گوناگون ریشه زکو به دو معنی اصلی نمو و طهارت باز می‌گردد. (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۴۱۹)

واژه تزکیه هم که مصدر باب تفعیل همین ریشه است در اصل حاوی دو معنای رشد و نمو دادن و تطهیر و پاکیزه سازی است. البته باید توجه داشت که این دو معنا با یکدیگر، پیوند دارند و به نوعی لازم و ملزوم یکدیگر است. زیرا تطهیر و پالایش سبب رشد و نمو می‌شود و رشد و نمو صحیح بدون تطهیر و پیرایش میسر نمی‌گردد (نجار زادگان، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۰)

معمولاً در کتاب‌های تعلیم و تربیت و متون اخلاقی و عرفانی دو واژه تربیت و تهذیب را به جای تزکیه به کار می‌برند. و این دو واژه را مترادف و معادل با تزکیه می‌گیرند. اما باید توجه داشت که واژه تربیت، اگر چه نسبت به واژه تزکیه کاربرد بیشتری دارد و هم در آثار حوزه تعلیم و تربیت و هم در متون اخلاقی و عرفانی به ویژه در نظام آموزش کشور در کنار واژه تعلیم فراوان به کار می‌رود. با توجه به اینکه این واژه از ریشه ربو گرفته شد، به معنی پرورش و رشد و نمو و فزونی است، از همین رو به زمین بلند رایبه و به تغذیه طفل تربیت گفته می‌شود. (فیروز آبادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲ ص ۱۶۸۷ و ۱۶۸۸)

در قرآن کریم هم واژه تربیت و مشقات آن به معنی رشد و فزونی جسمانی و بدنی به کار رفته است و «و قل رب ارحمهما کما ربیبانی صغیراً» (اسراء / ۲۴) و بگو پروردگارا، بر آن دو (پدر و مادر من) رحم کن چنانکه در کودکی مرا پرورش دادند.

«کلمه صغیر، کوچک، در برابر کبیر، بزرگ، و این قرینه‌ای است که واژه تربیت در این آیه به معنی رشد و نمو جسمی است و معادل دقیق آن در زبان فارسی بزرگ کردن است (باقری، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸) البته برخی به دلیل نزدیکی معنایی ربوبیت با تربیت تصور کرده‌اند که واژه تربیت از ریشه رب گرفته شده است و بر اساس ذوق و احساسات دینی تلاش کرده‌اند معنای دیگری از تربیت ارائه کنند که نواقص معنایی یاد شده را جبران نمایند ولی با توجه به اینکه تربیت از ریشه ربو است و به ریشه رب هیچ ارتباطی ندارد و به نظر می‌رسد تلاشی بی‌فایده به کار بسته‌اند. (باقری، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸ و ۳۹)

واژه تهذیب نیز از ریشه «هذب» و به معنی تطهیر و پاکسازی چیزی از عیوب آن است، از این رو هنگامی به کسی مهذب گفته می‌شود که از عیوب و رذایل پاک شده باشد (ابن فارس، ۱۳۸۷ ق: ۹۹۱ فیروز آبادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۲۳۷).

البته این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم به کار نرفته ولی در متون اخلاقی و عرفانی معمولاً کلمه تهذیب معادل و مترادف با تزکیه به کار رفته است (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵- ۱۶۱ و نرافی، بی تا، ج ۱: ۲ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴)

همان گونه که ملاحظه شد نه واژه تربیت و نه واژه تهذیب هیچ یک بار و غنای معنایی واژه تزکیه را ندارد زیرا واژه تربیت تنها به معنی رشد و نمو است و حتی اگر این رشد و نمو را به بعد جسمانی محدود ندانیم، باز هم فاقد معنای تطهیر و پالایش و پیراستگی است که در تزکیه وجود دارد، واژه تهذیب تنها حاوی معنای پاکسازی و تطهیر و فاقد معنای رشد و نمو است، ولی واژه تزکیه هم حامل معنای پاکسازی و تطهیر از عیوب و نواقص، و هم دارای معنای رشد و نمو و فزونی است و این رشد و نمو هم به هیچ وجه به عرصه جسمانی محدود نمی شود، بلکه بر همه ابعاد و عرصه‌های وجودی آدمی شامل می‌گردد، شاید از همین رو، یکی از مهمترین اهداف رسالت و بعثت پیامبران الهی به ویژه پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم، تزکیه انسانها معرفی شده (جمعه/ ۲) ولی تربیت یا تهذیب جزء اهداف پیامبران معرفی نشده است.

کاربرد شکل‌های گوناگون مشتقات واژه تزکیه در قرآن

خود واژه تزکیه که مصدر باب تفعیل است در قرآن به کار نرفته ولی مشتقات آن بارها به صورت صیغه‌های گوناگون فعل ماضی یا مضارع به کار رفته است. یک بار به صورت فعل ماضی زکی (شمس / ۹) یازده بار به صورت فعل مضارع یزکی یا صیغه‌های آن به کار رفته (توبه/ ۱۰۳ نساء/ ۴۹ نور/ ۲۱ بقره/ ۱۵۱ و ۱۲۹ و ۱۷۴ و آل عمران / ۱۶۴ و ۷۷ نجم / ۳۲) که در همه این دوازده مورد به همان معنای تزکیه یعنی پیراستن و رشد دادن است. هشت بار هم به شکل هم خانواده و به صورت فعل ماضی و مضارع باب تفعیل تزکی و یتزکی و یزکی (طه/ ۷۶ فاطر/ ۲۸ اعلیٰ/ ۱۴ نازعات/ ۱۸ لیل / ۱۸ عبس/ ۳ و ۷) و یک بار به شکل فعل ماضی مجرد زکی، نور/ ۲۱ و چهار بار به صورت تفصیلی ازکی (بقره/ ۲۳۲، کهف/ ۱۹، نور / ۲۸ و ۳۰) و دو بار هم به صورت صفت مشبیه برای نفس زکی و زکیه (مریم/ ۱۹ و کهف/ ۷۴) به کار رفته که در همه این پانزده مورد نیز به همان معنای تزکیه یعنی پیراستن و رشد دادن است. سی و دو بار هم به صورت اسم یا مصدر یعنی زکات به کار رفته که در همه این موارد اگر چه یک وظیفه شرعی مالی است باز هم آن معنای رشد و نمو و پیراستگی و پاکیزه سازی در آنها نهفته است. (عبد الباقی، ۱۳۸۷ ق، ص ۴۳۹ و ۴۴۰)

بنابر این در همه کاربردهای مشتقات و هم خانواده‌های واژه تزکیه در قرآن کریم معنای پاکسازی و رشد و نمو هست.

معنای زکات و رابطه آن با تزکیه

کلمه زکات که هم ریشه تزکیه است در اصل رشد و نمو است که از برکات الهی حاصل می‌شود. این واژه و مشتقات آن هم در امور دنیوی و هم در امور اخروی به کار می‌رود. در امور دنیایی مثلاً هنگامی گفته می‌شود: زکا الزرع یزکوه که در زراعت برکت و رشد و نمو حاصل شود، اما در امور اخروی سخن خدای تعالی: ایها ازکی طعاماً (کهف/۱۹) کدامین غذا پاکیزه‌تر است؟ به غذای حلالی اشاره دارد که سرانجامش ناگوار نباشد. واژه زکات هم از همین ریشه است که به مالی گفته می‌شود که آدمی حق خدای تعالی را از اموالش خارج می‌سازد و به فقیران می‌پردازد.

علت نامگذاری این مال به زکات به این دلیل است که در آن امید به برکت در اموال یا تزکیه نفس است. یعنی نفس آدمی با پرداخت زکات همراه با امور خیر و با برکت رشد می‌کند یا اینکه امید به برکت و رشد هر دو (یعنی همخ در اموال و هم در تزکیه نفس) هست، زیرا هر دو قایده در پرداخت زکات وجود دارد. خدای تعالی هم در قرآن کریم، زکات را با نماز همراه ساخته است: و اقیموا الصلوه و آتوا الزکوه (بقره/۴۳) برای اینکه با پرداخت زکات، هم اموال آدمی برکت می‌یابد و هم نفس آدمی تزکیه می‌شود. چنانکه می‌فرماید: خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم (توبه/۱۰۳) از اموالشان صدقه (زکات) بگیر تا به وسیله آن آنها را پاکیزه و تزکیه سازی، به سبب همین تزکیه نفس و پاکیزگی آن، انسان در دنیا شایسته صفات پسندیده و در آخرت سزاوار مزد و پاداش الهی می‌شود.

خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که همان طوری که از لحاظ لغوی ریشه زکات و تزکیه یکی است از نظر معنایی هم واژه زکات و تزکیه با یکدیگر نزدیکی کامل دارد اگر در مقام تزکیه نفس آدمی موجب پیراستگی و پاکیزگی و رشد و کمال معنوی خویش می‌شود با پرداخت زکات هم سبب پیراستگی و پاکیزگی دارایی و رشد آن می‌گردد و در حقیقت با این عمل، عامل تزکیه نفس خویش می‌شود. به عبارت دیگر زکات مال مقدمه‌ای برای تزکیه آدمی است. (فلاح پور، ۱۳۹۰ ش)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تزکیه در اصطلاح

تزکیه، اصطلاحی دینی و اخلاقی. تزکیه در لغت به معنای پاک گردانیدن و به صلاح آمدن و رشد یافتن نفس و مال و کشت و زرع و همچنین به معنای ستودن نفس و خودستایی و به ناز زیستن در فراوانی است. (فراهیدی، ۱۴۰۵ق؛ ذیل واژه تزکیه)

در قرآن

در قرآن کریم واژه تزکیه به کار نرفته، اما واژگان هم ریشه آن پنجاه و نه بار آمده است. صورت‌های گوناگون تزکیه در قرآن ناظر بر معنایی عام است و آن دور ساختن غیرحق از حق و ناپاکی از پاکی است که شامل پالودن نفس از گناه و خویهای ناپسند و پالایش مال از چیزهای حرام و فاسد است؛ بنابراین، تزکیه هم در مورد نفس هم در مورد مال به کار می‌رود. پالودن نفس موجب می‌شود که انسان در دنیا به اوصاف پسندیده و در آخرت به اجر و پاداش نایل شود. (راغب اصفهانی، «زکا»؛ زمخشری؛ ۱۴۰۲/۱۹۸۲، ص ۶۰؛ مصطفوی، ذیل «زکو») پالودن مال از چیزهای حرام نیز همین اثر را دارد، زیرا عمده اسباب وصول به شهوات مال است. پس با ترک مال جمیع اسباب شهوات دنیوی قطع می‌شود و تزکیه و رسیدن به آثار آن میسر می‌گردد. (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۳۹۱) و این تزکیه میسر نیست الا به خواست خداوند.

و او به لطف و فضل خویش هر که را بخواهد تزکیه می‌کند. (الطباطبائی، ۱۳۹۴ هـ ق، ج ۱۵، ص ۹۳، ذیل نور: ۲۱) به گفته راغب اصفهانی تزکیه نفس دو معنای متفاوت دارد: از راه کردار بدین معنا که نفس خود را با انجام اعمال صالح از گناه پاک سازد، و این همان حقیقت تزکیه است (دامغانی، ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۳۹۸) و در قرآن (اعلیٰ / ۱۴؛ شمس / ۹) نیز به کسی که خود را تزکیه کند، وعده رستگاری داده شده است؛ از راه گفتار که ناپسند، و مدح نفس و خودستایی است و در قرآن نیز از آن نهی شده است. (الطبرسی، ۱۳۳۹ ش، ج ۹، ص ۲۷۲، ذیل نجم: ۳۲)

معنا و مفهوم تزکیه در قرآن

«ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب والحکمة و یتزکون» (بقره / ۱۲۹)

مفاهیمی را می‌توان در قرآن جست و جو کرد که از عمق و گستردگی ویژه‌ای برخوردارند؛ مجموعه‌ای از این گونه واژه‌ها بار عظیم انتقال فرهنگ قرآنی را به دوش دارند؛ فهم این واژگان از یک سو در فهم ابعاد معارف قرآنی سودمند است و از سوی دیگر در فهم موضوع و جایگاه انسان در زندگی، کار آمد. تزکیه از این گونه واژه‌هاست که در نگاه قرآن، بخشی از اهداف عظیم رسالت را رقم می‌زند.

خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ هـ ق) نوشته است: «زکی، یزکی تزکیه» و الزکاة: راستی، استواری، دور بودن از عیب و کاستی. هر چیزی که افزون شود و رشد کند، یزکو زکاء است. محمد درید (م ۳۲۱ هـ ق) آورده است: «الزکاء با الف ممدود؛ زکاء الزرع به معنای حاصل و درآمد کشته است.» زکی (ز - ک - ی) بر رشد و فزونی دلالت می‌کند.

به زکات اموال، از این جهت زکات می‌گویند چون در ادای آن امید به رشد و فزونی مال دارند و بعضی می‌گویند: چون موجب پاک شدن اموال می‌شود، به آن زکات گفته می‌شود.

پس بازگشت همه معانی آن به رشد و طهارت است. «معجم مقاییس اللغة، ۱۷/۳» ابن اثیر به ریشه‌یابی این واژه پرداخته و نوشته است: «معنای اصلی زکات در لغت، طهارت، محصول، برکت و ستایش است که به همه این موارد در قرآن و حدیث، اشاره شده است.» (النهایه، ۲ / ۳۰۶). ابن منظور (م ۷۱۱ هـ ق) به گستردگی، موارد استعمال این واژه را آورده، از جمله نوشته است: زکا با الف ممدود، به معنای محصول است.

محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ ق) نوشته است: «تزکیه به معنای تطهیر است و زکات، فزونی مال.» (جامع البیان عن تأویل القرآن، ۱ / ۱۷۵). شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ ق)، تنها اقوال و آرای گوناگون را گزارش کرده است: ابن عباس تزکیه را به معنای اطاعت خداوند و اخلاص برای او دانسته است. ابن جریح می‌گوید: «زدایش انسان از شرک را تزکیه گویند.» جبایی اظهار می‌دارد: «آنان را بر انجام کاری و عملی فراخواند، موجب تزکیه شود.» (التبیین فی تفسیر القرآن، ۱ / ۴۶۷). شیخ ابوالفتوح رازی (م ۵۳۳ هـ ق) نیز درباره تزکیه نوشته است: «ویزکیهم، ایشان را تزکیه کند، یعنی استدعا کند ایشان را با کارهایی که به آن مزگی و مطهر شوند و معنی آن است که ایشان را از شرک و گناه پاکیزه کند.» (روض الجنان، ۲ / ۱۷۳)

امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۳ هـ ق) نیز، در این باره نوشته است: «تزکیه، نمودن و در معرض نمودن و ترقی قرار دادن است.» (الطبرسی، ۱۳۳۹ ش، ۲ / ۱۱۶). وی در مقامی دیگر (سوره نساء / ۴۹) می‌نویسد: «تزکیه، به معنای پاک گردانیدن و از زشتی دور گردانیدن، است.»

(تفسیر مجمع البیان، ۵۸/۲). فخر رازی (م ۶۰۳ هـ ق) تزکیه را به کامل شدن استعدادهای عقلانی که به واسطه معارف الهی، انجام بگیرد، معنا کرده است. (تهذیب تفسیر کبیر، ۲۸۳/۲). فیروز آبادی (م ۸۱۷ هـ ق) با توجه به طیف معنایی گسترده آن (تزکیه) در قرآن کریم، مصادیق مختلفی را برای آن رقم زده است؛ به مثل: پاکی، پیراستگی، اداء زکات و ... (بصائر ذوی التمییز فی لطایف الکتاب العزیز، ۱۳۴/۳). شیخ فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ هـ ق) بر اساس معنای طهارت، به تفسیر آیات مربوط به تزکیه پرداخته است. (مجمع البحرین، ۱/۲۰۳). محقق و قرآن پژوه معاصر، استاد حاج شیخ حسن مصطفوی، در جمع بندی آنچه پیشینیان درباره معنای تزکیه آورده‌اند، نوشته است: «معنی اصلی در این ماده (ز - ک - و) کنار زدن آنچه که حق نیست و بیرون کردن آن از وجود سالم مانند کنار گذاشتن زشتی‌ها و نابهنجاری‌های دل و رفتارهای زشت از زندگی انسانی و جداسازی حقوق مردم از ثروت و ... می‌باشد.» (مصطفوی، ۴ / ۲۹۳). وی آن‌گاه به تفاوت واژگان تطهیر، تزکیه و تهذیب می‌پردازد و می‌نویسد: «در تطهیر دستیابی به طهارت و پاکی در برابر آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها، مورد نظر است و در تزکیه کنار گذاشتن آنچه که کنار زدنش بایسته و در تهذیب رسیدن به خلوص. (همان / ۲۹۴)

او آنگاه معانی رشد، فزونی، نیکویی، پاکی، برکت و شایستگی را از آثار معنی اصلی آن دانسته و نه خود معنای آن. (همان/۲۹۴). از مجموع آنچه آوردیم، می‌توان نتیجه گرفت که در ماده اصلی تزکیه پیراستن و آراستن، رشد و فزونی و در معرض رشد و ترقی قرار دادن، لحاظ شده است و بر استواری این نتیجه، تأییدی است در آنچه بیشتر از مفسران و قرآن پژوهان آورده شد و همچنین می‌توان در کلام و سخن مفسرانی چون: فیض کاشانی، ابوحیان نحوی‌اندلسی، ابن کثیر، بیضاوی، ابن عاشور، علامه طباطبایی، سید قطب، آلوسی، زید بن علی و ... این معنی را جست و جو کرد. (تفسیر صافی، ۱ / ۳۹۷؛ البحر المحیط فی تفسیر القرآن الکریم، ۲ / ۴۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ۱ / ۱۸۶؛ حاشیه الشهاب علی تفسیر البیضاوی، ۲ / ۳۹۲؛ التحریر والتنویر، ۱ / ۷۲۳؛ تفسیر المیزان، ۱ / ۳۳۰؛ فی ظلال القرآن، ۱ / ۱۵۷؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن، ۱ / ۶۰۹؛ تفسیر غریب القرآن، ۱۳۸ و ۲۶۰؛)

به‌طور کلی از بررسی آیات قرآنی مربوط به تزکیه، می‌توان فهمید که تزکیه عمدتاً به دو معنی «نمو و زیادت» و «پاک کردن و زدودن» آمده است و در برخی موارد هم به موضوع استزکاء توسط پیامبر اشاره شده است. از سوی دیگر تزکیه هم به نفس و درون آدمی تعلق

می‌گیرد هم به اموال که آن زکات است. فاعل تزکیه طبق آیات قرآنی خدا، رسول، و عبادات فرد می‌باشد که از ناحیه فرد تزکیه هم به زبان است و هم به عمل. در نوع زبانی آن تعریف از خود (نجم/۳۲) که ناپسند و مذموم است. نوع عملی آن پسندیده و مایه کمال است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲ سوره جمعه می‌نویسد کلمه «تزکیه» مصدر یزکیهم است و مصدر باب تفعیل و ثلاثی مجرد آن «زکاه» است که معنی آن نموّ صالح است نموّی که ملازم خیر و برکت باشد، پس تزکیه به معنای آن است که مردم را به نموّی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند تا در نتیجه در انسانیت خود به کمال برسند... در این آیه شریفه تزکیه جلوتر از تعلیم کتاب و حکمت ذکر شده است و در دعای ابراهیم (بقره/۱۲۹) تعلیم کتاب و حکمت جلوتر از تزکیه ذکر آمده و این بدان جهت بوده که آیه مورد بحث در مقام توصیف تربیت رسول خدا (ص) بر مؤمنین است. در مقام تربیت، تزکیه مقدم بر تعلیم علوم حقه و معارف حنیفه است و اما در دعای ابراهیم مقام، مقام تربیت نبوده است و تنها دعا و خواست بوده است. معلوم است در عالم محقق خارج اول علم پیدا می‌شود بعد تزکیه. چون تزکیه از ناحیه عمل و اخلاق تحقّق می‌یابد. پس اول باید اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم باشد و بعد به آنها عمل گردد تا به تدریج زکات (پاکی دل) به دست آید (طباطبایی، ۱۳۶۳ش، ذیل آیه دوّم سوره جمعه).

ایشان در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره بقره درباره تزکیه می‌فرماید که: «تزکیه به معنای تطهیر است و تطهیر عبارت است از زایل کردن پلیدی‌ها، آلودگی‌ها و در نتیجه، کلمه تطهیر هم شامل اعتقادات فاسد چون شرک و کفر می‌شود هم شامل ملکات رذیله چون تکبر و بخل می‌گردد و هم اعمال فاسد و شنیع چون کشتن و زنا و شرابخواری را شامل می‌گردد. در تفسیر آیه ۶ سوره شمس آورده‌اند که زکّی ماضی باب تفعیل است و معنی آن رویدن و رشد گیاه است به رشدی صالح و پر برکت و ثربخش، و تزکیه مصدر باب تفعیل است به معنای رویاندن آن است یعنی رویش صالح و پر برکت. علامه در مضمون تفسیر آیه «قد افلح من زکّاه» گویب تزکیه را نوعی آراستن نفس تفسیر کرده‌اند، آراستن نفس به تقوی نه نوعی کاستن.

در مجموع علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۶۳ش) در مورد تزکیه هم بعد سلبی آن را در نظر داشته یعنی زدودن و پاک کردن و کلاً تطهیر از رذایل و موانع و هم بعد مثبت و ایجابی آن. را آنچنان‌که تزکیه را «نموّ صالح» معنی کرده‌اند و بر اخلاق فاضله و اعمال صالحه تأکید کرده‌اند. نکته دیگر که در این باره قابل بحث است. نکته مهم این است که علامه تقدم تزکیه بر تعلیم

را در آیات به شرایط خاص زمان بعث پیامبر مرتبط دانسته‌اند و تقدم تعلیم بر تزکیه را در آیه ۱۲۹ سوره بقره توصیف فرایند تربیت رسول دانسته‌اند و در سه آیه دیگر که تزکیه مقدم است نوعی تجویز و دستور تربیتی است که باید تزکیه بر تعلیم تقدم داشته باشد. و از توضیح علامه بر می‌آید که این تقدم هم از نوع رتبی است. شیخ طوسی در تفسیر مجمع البیان در تفسیر آیه ۱۵۱ سوره بقره درباره مفهوم تزکیه چنین آورده است که: «عبارتست از نمو دادن و در معرض نمو و ترقی قرار دادن» عین عبارت به قرار زیر است: «... و یزکیهم یعنی او شما را به واسطه امر به اطاعت پروردگار و جلب خشنودی او، شما را به واسطه شهادت درباره شما به ترقی و... نسبت دهد تا مردم شما را به این وصف بشناسند». همین مفسر در تفسیر آیه ۱۲۹ سوره بقره دیدگاه‌های مختلف در مورد یزکیهم آورده است که بدین قرار است: (الطبرسی، ۱۳۳۹ ش، ۱/۳۹۴)

۱. ابن عباس می‌گوید: یزکیهم یعنی پیغمبر مردم را نسبت به خداوند مطیع و مخلص نماید زیرا «زکاء» به معنای اطاعت و اخلاص است.
۲. جبائی می‌گوید: یزکیهم یعنی پیغمبر مردم را به افعال و اعمالی دعوت نماید که انجام آن به وسیله تقویت ایمان مردم است.
۳. ابن جریر می‌گوید: معنای یزکیهم آن است که مردم را از آرایش شرک پاک سازد.
۴. آصم معتقد است که منظور از این کلمه این است که پیغمبر در روز قیامت به پاکیزگی پیروان خود شهادت بدهد.

در تفسیر آیه دوم سوره جمعه آورده است که «یزکیهم» یعنی آنان را از گناه و کفر پاک نمود و بخواند آنها را به سوی چیزی که به سبب آن، آنها از پاکان و نیکان می‌گردند. بنابر این، شیخ طبرسی تزکیه را به دو معنی «پاک کردن از گناه کفر و شرک» و «در معرض نمو قرار دادن» گرفته است که این دو منافاتی باهم ندارد و معنی اول می‌تواند مقدمه دوم باشد.

نکته شایان ذکر دیگر این است که نمی‌توان تزکیه را معادل تربیت دانست؛ زیرا تربیت مفهومی است که به فرایندی گسترده اشاره دارد که تمامی کوشش‌های آدمی مانند آموزش، تدریس مهارت آموزی، تزکیه تذکر و مانند اینها را شامل می‌شود. به سخن دیگر، هر گونه تأثیر مثبتی را که در مرتبه به وجود می‌آید و حاصل فعالیت‌های مرتبی است، شامل می‌شود. اگر بخواهیم در قرآن معنی تربیت را دنبال کنیم، لازم است واژه‌هایی را که معطوف به چنان تأثیر و تأثری است، دنبال نماییم و همه را با چشم‌اندازی وسیع و گسترده مطالعه کنیم و مانند شبکه‌ای از

مفاهیم مرتبط در نظر بگیریم تا مجموعه آنها افاده معنی نماید. مفاهیمی از قبیل رب، نربک، ربیانی، تذکر، تبشیر، انذار، تواسوا، امر به معروف، نهی از منکر، تعلیم، تلاوت، تزکیه، موعظه، رشد و مانند اینها. بر این اساس، تزکیه به تنهایی تحمل بار معنایی تربیت را ندارد.

از سوی دیگر، به فرض برابر بودن این دو (تزکیه و تربیت) تمایز آن با تعلیم و هدف دانستن و برتری تقدّم تزکیه بر تعلیم به همان اندازه قضاوتی قابل نقد است. اگر هم در حوزه تربیت اخلاقی (در شرایط خاص) پذیرفته شود، نمی‌توان از آن به عنوان یک اصل عام و فراگیر تربیتی به کار گرفت. در آیه دوّم سوره جمعه و دو آیه مشابه دیگر، تزکیه در کنار تلاوت و تعلیم آورده شده است. لذا اگر به درستی دقت کنیم تلاوت، تزکیه، تعلیم در راستای هدف بزرگتری است. بنابر این، هدف دانستن و مرجع دانستن تزکیه را نمی‌توان به سادگی از این آیات استنباط کرد. اگر «و» موجود بین سه کلمه تلاوت، تزکیه و تعلیم «و» فضل و تقدّم است؛ چرا تلاوت را بر دو دیگر مقدم ندانیم.

در این آیات الهی ضمن تبیین جایگاه تزکیه، در انسان سازی رسول الله (ص) به ترسیم مفهوم و محتوای قرآنی آن، پرداخته شده است. بنگرید:

۱. «وَبِنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره، / ۱۲۹)

در این آیت الهی، ابراهیم خلیل (ع) از خداوند می‌خواهد پیامبری را در خانواده او قرار دهد که آن پیامبر به انجام سه وظیفه قیام کند. مفسر جلیل، امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۳ هـ ق) در تفسیر این آیه می‌نویسد: «آیاتی که بر تو وحی می‌شود، بر آنان بخوان تا بدانند و قرآن را یاد ده تا محتوای آن را بشناسند و پیروانی با خلوص پدید آورد.» (الطبرسی، ۱۳۳۹ ش، ۱/ ۳۹۴) پیام آوری را که ابراهیم (ع) از خداوند درخواست می‌کند دارای سه ویژگی است.

تلاوت آیات، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه. «یتلوا علیهم آیاتک»؛ «یعلمهم الکتاب والحکمة» و «یزکّیهم». نیشابوری (م ۷۲۸ هـ ق) در تبیین سومین ویژگی نوشته است: «ارکان ارشاد به آراستن و پیراستن است؛ همان گونه که وظیفه معلم آگاه نمودن به زیبایی‌های کمال است، به کاستی‌های کمال نیز بایست هشدار دهد و این همان است که پیامبر (ص) انجام داد. و این بدان جهت است که حضرتش به دو صفت شایسته خلق عظیم و — اعطا شده — مکارم اخلاق ستایش گردید.» تزکیه را نمی‌توان به پیرایش ظاهر محدود کرد بلکه پاک‌سازی درون از

شرارت های شرک آلود را نیز شامل است. پاک سازی از شرک و گناه کافی نیست و چه بسا کفر نیز منشأ زشتی ها و کجی ها باشد؛ پس به پیراستن درون از کفر، نیز باید پرداخت در پیرایش و آرایش، شناسایی شرک و تشخیص مهم ترین نوع آن، ضرورتی انکار ناپذیر است. ابن عاشور، پس از بیان تفسیری ظریف از «یتلوا علیهم آیاتک» که خواندنی آگاهانه و پیوسته است می نویسد: «یزکیهم زدایش و پیراستن بزرگترین شرک می باشد که آن شرک به خداست.» (ابن عاشور ۱/ ۷۲۳). تنها شرک و کفر نیست که پیرایش آن، بایسته است بلکه رفتارهای زشت و ناپسند و ناهنجاری ها را نیز شامل است. مفسر جلیل، سید عبدالحسین طیب پس از فرق انگاشتن میان تلاوت و تعلیم به خواندن و تفسیر، تأویل نموده است و برای آشنایی به ژرفای آن می نویسد «یزکیهم؛ تزکیه به معنای تطهیر از شرک، کفر، ظالمت، اخلاق رذیله صفات خبیثه و معاصی کبیره و صغیره است و مرتبه اعلائی آن، عصمت است. که مفاد آیه شریفه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب/ ۳۳) می باشد.

۲. «کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یزکیهم و یعلمکم الکتاب و الحکمة و یعلمکم مالم تکنوا تعلمون» (بقره/ ۱۵۱)

در آیه قبلی دعای ابراهیم (ع) مطرح گردید و در این آیه، پاسخ دعا: «همان گونه که از خودتان، پیامبری را به میان شما فرستادیم که آیات قرآن را بر شما بخواند و از شرک و کفر، شما را بپیراید، پس بر چنین نعمتی معرفت یابید!»

گاه زبان کنایه در انتقال حقیقت، از کلام صریح، تأثیرگذارتر است. شیخ طوسی (ره) در این باره نوشته است: «یزکیهم؛ به آنچه که شما را پاکیزه نماید، به زبان کنایه فرمود به مثل اطاعت خداوند و فراهم سازی رضوان الله را، به صراحت نفرمود. (الطبرسی، ۱۳۳۹ ش ۱ / ۴۳۳)، تزکیه تنها پیراستن از شرک و کفر نیست چنانچه خواجه عبدالله انصاری نوشته است: «یزکیهم شما را از کفر و شرک پاک می کند و به دینی می خواند که چون آن دین دارید و بر آن عمل کنید؛ کنتم از کباء عندالله عز و جل، به نزدیک الله پاک باشید.»

در صورتی که سومین دیدگاه را بپذیریم، رسالت رسولان تنها ابلاغ «وما علی الرسول الا البلاغ المبین» (نور/ ۵۴) نیست اما اگر نخستین نظر را پذیرا باشیم — که هستیم — تناسب با رسالت پیامبر نیز خواهد داشت که این تأثیری بس شگرف در وظیفه مزکیان خواهد داشت.

۳. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یتزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (جمعه/ ۲)

شیخ طوسی (ره) پس از تبیین بعثت پیامبر (ص) و امی بودن آن حضرت در معنای یزکیهم این چنین می‌نویسد: «به واسطه آنچه که آنان را به ایمان رهنمون می‌کند از آلودگیهای شرک می‌پیراید تا از پاکان گردند». فخر رازی با گزارش آنچه که شیخ طوسی در توضیح امی بودن رسول الله (ص) بیان کرده، یزکیهم را پیراستن از آلودگی‌های شرک و غیر آن می‌داند به مثل فساد و تباهی گفتاری و رفتاری، اگر چه با استناد به کلام دیگران به استواری معنای شیخ طوسی نیز پرداخته است. (فخر رازی ۷ / ۱۳۸)

زکات و تزکیه همان گونه که در نظر برخی از لغت شناسان در یک معنا دیده می‌شد در نزد برخی از مفسران نیز چنین است به مثل علامه طباطبایی (ره). ایشان تزکیه را مصدر باب تفعیل و از ریشه زکات دانسته‌اند و بر این اساس نوشته‌اند: «زکات به معنای رشد شایسته با خیر و برکت همراه است». پس تزکیه مردم توسط رسول الله (ص) به این معناست که آنان به رشدی شایسته می‌رسند و رفتارهای ارزشی در آنان استمرار پیدا می‌کند تا در انسانیت خود به کمال دست یابند و در دنیا و آخرت به ثبات اندیشه و رفتار دست یابند و زندگی و مرگی سعادت‌مند پیدا کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۴، ق، ۱۹ / ۲۶۵). آنچه تا بدین جا آوردیم، تفسیر آیاتی بود که یزکیهم در آنها با جمله‌های «یتلوا علیهم» و «یعلمهم الکتاب و الحکمة» همراه بود.

تزکیه در عرفان

تزکیه در عرفان عبارت است از زدودن نفس و تخلیه آن از عقاید باطل و اوصاف مذموم، میراندن هوای نفس، تربیت کردن و به صلاح آوردن نفس و از صفت اماره به مطمئنه رسانیدن آن. برخی تزکیه را به معنای ترک دنیا دانسته‌اند. (نجم رازی، ص ۱۷۳-۱۷۴) به نوشته ابرقوهی (ابرقوهی، ۱۳۶۴، ش، ص ۷۰) تزکیه را به جهت پاک کردن دل از رذایل، «تصقیل» نیز می‌گویند.

در منابع عرفانی به تزکیه به طور مستقل کمتر پرداخته شده و بیشتر آن را ذیل، سیروسلوک و ریاضت نفس مطرح کرده‌اند. در آثار اخلاقی نیز، ذیل بحث تهذیب نفس، به تزکیه پرداخته شده است. (غزالی، ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲؛ قسم سوم کتاب الأربعین ص ۱۰۷-۱۸۱)

در برخی منابع عرفانی نیز مستقلاً ولی به اجمال در باره این اصطلاح بحث شده، از جمله میبیدی در کشف الاسرار و عدة الابرار تزکیه را بر دو گونه دانسته است (میبیدی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۴۱۱): (۱) تزکیه‌ای که در آغاز سلوک صورت می‌گیرد و آن پیروی بنده از احکام شرع است. این مرتبه پیش از معرفت نسبت به حقایق قرآن و رسیدن به حکمت است و آیه ۱۵۱ سوره بقره به آن اشاره دارد. (۲) طهارت دل از هر گونه آرایش. این مرتبه به عنایت و فضل الهی امکان پذیر خواهد بود. این نوع تزکیه کمال ایمان و غایت معرفت و نتیجه تعلم کتاب و رسیدن به حکمت است. آیه ۱۲۹ سوره بقره که در آن حضرت ابراهیم از خداوند تزکیه خواست، به این نوع تزکیه اشاره دارد، زیرا کلمه تزکیه بعد از تعلیم کتاب و حکمت آمده است. چنین تزکیه‌ای همان «زکات قلب» است، یعنی عارف از مشاهده غیر حق مبرا و از ظلمت تعلقات پاک می‌شود. زکات قلب نیز پس از پرداخت زکات اعضا یا «زکات حسنه» (استفاده از اعضا در هر آنچه برای آن خلق شده) است. (آملی، ۱۳۸۶ ش، ص ۵۷۷)

در باره اهمیت تزکیه گفته شده است که هیچ سالکی و حتی هیچیک از اولیا و مشایخ از آن بی نیاز نیستند. یکی از ویژگی‌های مهم صوفی آن است که دائم به تزکیه نفس و تصفیه دل و تجلیه روح مشغول باشد، زیرا اشراق انوار الهی از طریق تطهیر قلب و تزکیه امکان پذیر است. سالک با پاک شدن از صفات مذموم از شر شیطان و مکاید او در امان می‌ماند و میان دل و نفس و روح سالک آشتی و مصالحه برقرار می‌شود؛ هر گاه نفس به حظی دست یابد، در دل نیز انشراح حاصل می‌شود و بنابراین، نفس مزگی^۱ در طی مراحل سیروسلوک، روح را به «معارج اعلیٰ علیین» و «مدارج قباب قوسین» و مقام و مرتبه مقربان حضرت حق می‌رساند (سهروردی، ۱۳۶۴ ش، ص ۷-۸) شخص مزگی^۱ از امور غیبی و ضمائر افراد نیز آگاهی می‌یابد و به مقام کشف و شهود می‌رسد (رازی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۴) خلاصه آنکه مدار سیروسلوک و کمال سعادت آدمی بر تزکیه استوار است، زیرا تزکیه مقدمه شناخت نفس است و شناخت نفس نیز شناخت حق را در پی دارد، ازین رو تا تزکیه کامل نشود، شناخت و معرفت حقیقی خداوند نیز حاصل نمی‌شود (غزالی، ۱۳۶۸ ش، ۱۰۷).

موانع تزکیه

موانع تزکیه نفس بسیارند. به نظر غزالی، آن جنبه از نفس که به بدن و امور جسمانی مربوط می‌شود و تزکیه نفس در باره آن مصداق می‌یابد، موانع بسیاری دارد که ریشه همه آنها

ده صفت مذموم است و باید در تزکیه نفس از همه آنها میرا شد. این ده صفت عبارت اند از: حریص بودن به خوردن طعام، حریص بودن به گفتار و آفات زبان (مانند دروغ و غیبت و جدل و شوخی و مدح بیهوده)، غضب، حسد، بخل، جاه طلبی، حب دنیا، کبر، عجب، و ریا (غزالی، ۱۴۰۳، ص ۲۰-۲۱؛ همو، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۰۷-۱۸۱). غزالی (۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۷۹)، و به تبع او فیض کاشانی (ج ۵، ص ۹۹)، تنبلی و کاهلی را نیز از موانع تزکیه به شمار آورده‌اند.

راه تزکیه

راه تزکیه نفس آن است که نخست نفس و سپس موانع و شرور آن شناخته شود. بنابراین، تزکیه نفس فقط با مواظبت و مراقبه و محاسبه به دست می‌آید (غزالی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۰۷؛ همو، ۱۴۰۳، همانجا). نکته مهم آن است که تزکیه نفس از موانع نفسانی (مانند قوای غضبی و شهوی)، سرکوب کردن دو قوه غضب و شهوت نیست، بلکه به اعتدال رسانیدن این دو قوه است که با به اطاعت در آوردن آنها از علم و شرع حاصل می‌شود. نیروی عقل به کمک عدل بر غضب و شهوت نظارت می‌کند و جلو طغیان آنها را می‌گیرد (رجوع کنید به همو، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۷۴-۱۷۵). به عقیده نجم رازی، نفس چه در سیر نزولی چه در سیر صعودی به شهوت و غضب نیازمند است، زیرا این دو قوه وقتی به خدا روی می‌آورند، تبدیل به عشق و محبت و غیرت و همت می‌شوند و به کمک آنها همه منازل و مراحل طی می‌شود و سالک در هیچ مقامی متوقف نمی‌گردد (ص ۱۸۳-۱۸۴). مهمتر از همه آنکه تزکیه جز از طریق تربیت شیخ کامل و عنایات و الطاف الهی میسر نیست. هنگامی که مجاهدت سالک تحت ارشاد شیخی کامل باشد و با الطاف خداوند و جذب و فیض الهی همراه شود، به یک لحظه چندان تزکیه نفس حاصل می‌شود که به مجاهده همه عمر حاصل نمی‌گردد (سهروردی، ص ۳۳؛ نیز رجوع کنید به رازی، ص ۲۱۱). به نوشته باخرزی در اوراد الاحباب (ج ۲، ص ۷۹)، یکی از شروطی که مرید باید نسبت به شیخ حفظ نماید، تزکیه نفس است.

برخی علاوه بر ضرورت وجود شیخ، تحلیه (آراستن دل به فضائل) را نیز برای جلب جذبات و فیوضات الهی لازم دانسته (رجوع کنید به نجم رازی، همانجا) و گفته‌اند که اگر همه عمر به تزکیه نفس پرداخته شود، باز نفس به طور کامل تزکیه نمی‌شود، پس باید بعد از آنکه نفس به قید شرع مقید گردید، به تحلیه دل روی آورد (همان، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ نیز رجوع

کنید به این عربی، ج ۴، ص ۴۷۸؛ ابرقوهی، ص ۷۰)؛ ازینرو، برخی تزکیه و تحلیه را در کنار هم آورده و گفته‌اند که تزکیه اتصاف نفس به صفت فناست و فنا، ترک دنیا و از بین بردن هوای نفس است و مرتبه اول آن زهد و مرتبه دوم آن عبادت است. تحلیه را نیز اتصاف نفس به صفت بقا دانسته و گفته‌اند که بقا، تخلق به اخلاق الاهی است (نجم رازی، همانجا؛ شمس الدین آملی، ج ۲، ص ۱۲). برخی صوفیان تحلیه را مقدم بر تزکیه می‌دانند و بر آن‌اند که بدون تحلیه روح، تزکیه نفس میسر نمی‌شود (رجوع کنید به نجم رازی، ص ۲۱۲).

نتیجه‌گیری

معنای قرآنی تزکیه تناسب فراوانی با ریشه لغوی آن دارد. قرآن مجید فلاح و تزکیه را قرین هم می‌داند و در سوره شمس، آشکارا تحقق فلاح را برای اهل تزکیه تضمین می‌کند و آنان را به جاودانگی در بهشت و نعمت الهی مژده می‌دهد. افزون بر این، از نظر قرآن کسانی که نفس خویش را تزکیه نکرده‌اند، بی‌گمان در خسران‌اند از منظر قرآن، هدف ارسال پیامبر اکرم (ص) نیز تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت است؛ اگرچه در آیات الهی غالباً تزکیه مقدم بر تعلیم کتاب و حکمت آمده، در آیه‌ای، این تعلیم، مقدم بر تزکیه شده است. از این‌رو می‌توان رابطه‌ای متقابل میان تعلیم و تزکیه تصور کرد.

هرچند تزکیه قرآنی به طور کلی با نفس، در همه مراتب، ارتباط دارد، بیشتر مفسران تزکیه را از نوع «افعال» نفس دانسته‌اند؛ به ویژه افعالی چون انجام طاعات، ترک معاصی و برخی اعمال عبادی مانند نماز و زکات در قرآن کریم ادای حق کسان، انفاق و نیز تخصیص بخشی از اموال به مصارف الهی، سبب و شرط تطهیر مال و زندگی است؛ از این‌رو، تزکیه مالی بارزترین مصداق اجتماعی تزکیه به شمار می‌آید. تأکید و توصیه الهی به پیامبر (ص) در گرفتن زکات مال برای تزکیه افراد و سپس ایجاد ارتباط با تزکیه شدگان نیز از همین رو است؛ ارتباطی که فضای رشد را برای تک‌تک افراد جامعه افزون می‌سازد. قرآن کریم، بدون در نظر گرفتن جایگاه اجتماعی افراد، توجه پیامبر (ص) را بیشتر به کسانی جلب می‌کند که امید تزکیه آنها می‌رود.

قرآن تزکیه را نیز مانند سایر فضایل انسانی، لطفی الهی می‌داند که حصول آن، بدون اراده پروردگار ممکن نیست. گروهی از اهل کتاب به سبب آنکه عهد و سوگند الهی را به بهایی اندک می‌فروشدند، محرومیت خود را از تزکیه فراهم می‌آورند. بر این پایه، به ویژه از آن‌رو که

تزکیه در قیامت هم ادامه خواهد داشت، عذاب ایشان تداوم دارد. در قرآن کریم دعوی تزکیه خویش و پاک دانستن خود از آایشها، به ویژه درباره گروهی از اهل کتاب که با اعتقاد به تزکیه، خود را پسران و دوستان خدا و مصون از آتش جهنم می‌دانند مردود شمرده شده است. مفسران با توسع در این دیدگاه، با طرح تعبیر «تزکیه قولی»، آن را مذموم دانسته، و طلب کردن مرگ و آماده بودن آن را از نشانه‌های صدق این دعوی یاد کرده‌اند. در مقابل، «تزکیه عقلی» امری نیکو است که نفعش، مخصوصاً با توضیح «وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»، به خود فرد باز می‌گردد بدین ترتیب کمال تزکیه جای‌گزینی صفات انسانی به صفات الهی است.

تزکیه در قرآن دارای مراتب و مقاطعی است: تزکیه خدایی، که به فضل و رحمت او نسبت دارد تزکیه نبوی، به عنوان مجری اراده پروردگار در امور تربیتی؛ و تزکیه شخصی، که به تلاشهای رشدافزای عبد منسوب می‌شود

در منابع عرفانی به تزکیه به طور مستقل کمتر پرداخته شده و بیشتر آن را ذیل، سیروسلوک و ریاضت نفس مطرح کرده‌اند. در آثار اخلاقی نیز، ذیل بحث تهذیب نفس، به تزکیه پرداخته شده است.

در برخی منابع عرفانی نیز مستقلاً ولی به اجمال در باره این اصطلاح بحث شده، از جمله میبیدی در کشف الاسرار و عدة الأبرار تزکیه را بر دو گونه دانسته است: (۱) تزکیه‌ای که در آغاز سلوک صورت می‌گیرد و آن پیروی بنده از احکام شرع است. این مرتبه پیش از معرفت نسبت به حقایق قرآن و رسیدن به حکمت است (۲) طهارت دل از هر گونه آرایش. این مرتبه به عنایت و فضل الهی امکان پذیر خواهد بود. این نوع تزکیه کمال ایمان و غایت معرفت و نتیجه تعلم کتاب و رسیدن به حکمت است.

در باره اهمیت تزکیه گفته شده است که هیچ سالکی و حتی هیچیک از اولیا و مشایخ از آن بی‌نیاز نیستند. یکی از ویژگیهای مهم صوفی آن است که دائم به تزکیه نفس و تصفیه دل و تجلیه روح مشغول باشد، زیرا اشراق انوار الهی از طریق تطهیر قلب و تزکیه امکان پذیر است.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب اللہ العزیز المحکم، چاپ محسن موسوی تبریزی، تهران ۱۴۱۶ ش.
- ۳- آملی، محمد بن محمود شمس الدین، نفائس الفنون فی عرایس العیون، ج ۲، چاپ ابراهیم میانجی، تهران ۱۳۷۹؛
- ۴- ابرقوهی، شمس الدین ابراهیم، مجمع البحرین، چاپ نجیب مایل هروی، تهران ۱۳۶۴ ش.
- ۵- ابن عربی، محمد بن علی، الفتوحات المکیه، بیروت: دارصادر، بی تا
- ۶- ابن فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغه، ترتیب و تنقیح: علی عسگری و حیدر مسجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۱۳۸۷
- ۷- انصاری، عبدالله، منازل السائرین، شرح عبدالرزاق کاشانی، قم انتشارات بیدار، ۱۳۸۱
- ۸- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۹- بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۷.
- ۱۰- خمینی، سید روح اله، تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی، تبیان دفتر چهل و چهارم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۱- رازی، محمد، بستان الرازی، او الریاض المرضیه فی شرح تضمین الالفیه، تهران ۱۳۸۶ ش
- ۱۲- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، المفردات، به کوشش: محمدسید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه.
- ۱۳- زمخشری، محمود، الکشاف، به کوشش محمد عبدالسلام شاهین، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۱۴- سهروردی، عمر بن محمد، عوارف المعارف، چاپ قاسم انصاری، تهران ۱۳۶۴ ش.
- ۱۵- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان. سید محمد باقر موسوی. تهران: بنیاد علامه طباطبایی. ۱۳۶۳ ش.
- ۱۶- طبرسی تفسیر مجمع البیان. ترجمه: محمد مفتاح. تهران: انتشارات فراهانی.

- ۱۷- عبد الباقي، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، قم، نشر نوید اسلام ۱۳۸۷.
- ۱۸- العطاس، سيد محمد نقيب، درآمدی بر جهان‌شناسی اسلامی. ترجمه: محمد حسين ساکت و ديگران. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران. ۱۳۷۷.
- ۱۹- غزالي، محمد بن محمد، احیاء علوم الدين، بيروت ۱۴۱۲ق.
- ۲۰- فراهیدی، خليل بن احمد، ترتيب كتاب العين، تحقيق: مهدي مخزومي و ابراهيم سامراني، قم اسوه، ۱۳۸۳
- ۲۱- فلاح پور، مجيد، مفهوم‌شناسی واژه تزکیه در قرآن، فصلنامه پژوهش در مسائل تعليم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۰ ش
- ۲۲- فيروز آبادی، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۷ق.
- ۲۳- فيض كاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجة البيضاء فی تهذيب الاحیاء، چاپ علی اكبر غفاری، بيروت ۱۴۰۳ق.
- ۲۴- محمد بن ابراهيم صدرالدين شیرازی، تفسير القرآن الكريم، چاپ محمد خواجه‌ی، قم ۱۳۷۹.
- ۲۵- مصطفوی، حسن، التحقيق فی كلمات القرآن الكريم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۲۶- میبدی، احمد بن محمد، كشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۷۶ش.
- ۲۷- نجار زادگان، فتح الله، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم دفتر نشر معارف ۱۳۸۶
- ۲۸- نجم رازی، عبدالله بن محمد، مرصادالعباد، چاپ محمد امین ریاحی، تهران ۱۳۵۲ ش.
- ۲۹- نراقی، محمد مهدي، جامع السعادات، قم: اسماعیلیان، بی تا: